

اگر ابوبکر و عمر با خلافت امیر المؤمنین مخالفت نمی‌کردند ، چه می‌شد؟

پاسخ:

پاسخ این سؤال در کتب اهل سنت به روشنی آمده است که با کوچکترین دقت معلوم می‌شود که اگر چنان که حضرت امیر علیه السلام خلیفه می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد اینک به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱ - هدایت مردم به صراط مستقیم و بهشت :

به اقرار اهل سنت و طبق روایات ایشان در صورتی که امیر مومنان را به خلافت می‌رساندند ، مردم را به راه راست و به سوی بهشت هدایت می‌نمودند :

روایت معجم کبیر طبرانی :

مدثنا محمد عبد الله المضمی ثنا علی بن المسین بن ابی بردة البجلی الذهبی ثنا یمیی بن یعلی الأسلمی عن مرث بن صبیح ثنا سعید بن مسلم عن ابی مرث الصنعانی عن ابی عبد الله الجدلی عن عبد الله بن مسعود ... قال وما أظن أجلی إلا قد اقترب قلت یا رسول الله ألا تستخلف أباً بکر فأعرض عنی فرأیت أنه لم یوافقہ قلت یا رسول الله ألا تستخلف عمر فأعرض عنی فرأیت أنه لم یوافقہ قلت یا رسول الله ألا تستخلف علیاً قال ذاک والذی لا إله غیره لو بايعتموه وأطعتموه أدفلكم الجنة أکتعین مدثنا إسحاق بن إبراهيم الدبری ثنا عبد الرزاق عن أبیه عن میناء عن عبد الله بن مسعود قال كنت مع النبی صلی الله علیه وسلم لیلة وفد الجن فتنفس فقلت مالک یا رسول الله قال نعیت إلی نفسی یا بن مسعود قلت استخلف قال من قلت أبو بکر قال فسکت ثم مضی ساعة ثم تنفس فقلت ما شأنک بأبی أنت وأمی یا رسول الله قال نعیت إلی نفسی یا بن مسعود قلت فاستخلف قال من قلت عمر فسکت ثم مضی ساعة ثم تنفس فقلت ما شأنک قال نعیت إلی نفسی یا بن مسعود قلت فاستخلف قال من قلت علی بن أبی طالب قال أما والذی نفسی بیده لئن أطاعوه لیدفلن الجنة أجمعین أکتعین

المعجم الكبير ج10/ص67 ش 9969 و 9970

این مسعود از رسول خدا نقل کرده است که فرمودند : گمان می کنم که مرگ من نزدیک شده است ؛
عرضه داشتم : ای رسول خدا آیا ابو بکر را به جانشینی تعیین نمی کنید؟ پس از من روی برگرداندند و
چنین به نظر من رسید که ایشان با این کار موافق نیستند ؛ پرسیدم : آیا عمر را تعیین نمی کنید ؟ باز
روی از من برگرداندند و چنین به نظر من رسید که با این کار موافق نیستند ؛ گفتم : ای رسول خدا ، آیا
علی را به جانشینی تعیین نمی فرمایید ؟ پاسخ دادند : همین است قسم به فدایی که جز او نیست ؛
اگر با او بیعت کنید و از او اطاعت نمایید همه شما را به بهشت رهنمون خواهد ساخت .

...عبد الله بن مسعود می گوید : در شب آمدن جنیان به حضور ایشان ، در کنار حضرت بودم ؛ پس
حضرت نفس عمیقی کشیدند ؛ عرض کردم : چه شده است ؟ فرمودند : فبر رملتم به من داده شده
است ؛ گفتم : ای رسول خدا آیا جانشین تعیین نمی فرمایید ؟ فرمودند : چه کسی را ؟ پاسخ دادم :
ابو بکر ؛ پس حضرت سکوت فرمودند ؛ مدتی گذشت ؛ دوباره حضرت نفس عمیقی کشیدند ؛ گفتم چه
شده است ای رسول خدا ؟ دوباره پاسخ دادند به من فبر رملتم داده شده است ای ابن مسعود ؛ عرض
کردم : جانشین خود را تعیین بفرمایید ؛ فرمودند : چه کسی را ؟ گفتم : عمر ؛ پس مدتی سکوت
فرمودند و دوباره نفس عمیقی کشیدند ؛ عرضه داشتم چه شده است ؟ پاسخ دادند : فبر رملتم را به من
داده اند ؛ گفتم ای رسول خدا جانشین خویش را تعیین بفرمایید ؛ فرمودند : چه کسی ؟ عرضه داشتم :
علی بن ابی طالب ؛ فرمودند :

قسم به کسی که جانم در دست اوست اگر او را اطاعت کنند همه ایشان را به بهشت خواهد برد .

روایت طیبه الاولیاء :

مدتثنا جعفر بن محمد بن عمر ثنا أبو مصعب الوادعی ثنا یمیی بن عبدالممید ثنا شریک عن أبی الیقظان

عن أبی وائل عن مزیفة بن الیمان قال قالوا یا رسول الله ألا تستلف علیا قال إن تولوا علیا تجدوه

هادیا مهدیا یسلک بکم الطریق المستقیم

رواه النعمان بن أبي شيبه الجندی عن الثوری عن أبي اسحاق عن زيد بن یثیع عن مزیفه نموه

حلیة الأولیاء ج 1/ص 64

به رسول خدا عرض کردند : ای رسول خدا ، آیا علی را به عنوان جانشین تعیین نمی فرمایید ؟ فرمودند :
اگر علی را به عنوان سرپرست قبول کنید او را هدایت کننده و هدایت شده فواید یافت که شما را به
راه راست می کشاند .

روایت مسند حارث :

594 مدثنا یمیی بن ابی بکیر ثنا اسرائیل عن ابی اسحاق عن عمرو بن میمون قال شهدت عمر بن
الخطاب غداة طعن... فقال ادعوا لی علیا و عثمان و طلحة و الزبیر و عبد الرحمن بن عوف و سعد قال فدعوا
قال فلم یكلم أحدًا من القوم الا علیا و عثمان فقال یا علی ان هؤلاء القوم لعلهم أن یعرفوا لک قرابتک
من رسول الله صلی الله علیه و سلم و ما أعطاک الله من الفقه و العلم فان ولوک هذا الأمر فاتق الله فیہ
ثم قال یا عثمان ان هؤلاء القوم لعلهم أن یعرفوا لک صهرک من رسول الله صلی الله علیه و سلم و
شرفک فان ولوک هذا الأمر فاتق الله ولا تملن بنی ابی معیط علی رقاب الناس ... قال فلما فرجوا قال
ان ولوها الأجلع سلک بهم الطريق قال فقال عبد الله بن عمر ما منعک قال أکره أن أمملها میا و میتا
قلت فی الصمیع طرف منه

مسند الحارث (زوائد الهیثمی) ج 2/ص 622

عمر را در صبح آن روزی که چاقو خورد دیدم... پس گفتم : علی و عثمان و طلحه و زبیر و عبد الرحمن بن
عوف و سعد را به نزد من بخوانید . پس همه را خواندند . پس هیچ کس غیر از علی و عثمان سفتی
نگفت . پس عمر گفتم : ای علی بدرستی که ایشان شاید فامیلی تو را به رسول خدا و فقه و علمی را که
خدا به تو داده بشناسند . پس اگر تو را در این امر سرپرست گردانیدند پس در آن از خدا بترس . سپس
گفتم ای عثمان : این قوم شاید بدانند که تو داماد رسول خدایی و شرف تو را بشناسند . پس اگر تو را

بر این کار سرپرست کردند از فدا بترس و فرزندان ابی معیط را بر گردن مردم سوار نگردان!!!...
وقتی از نزد وی بیرون رفتند عمر گفت : اگر او را به دست شفص کم مو(علی) بسپارند ایشان را به راه
فواهد آورد . پس عبد الله بن عمر گفت : چه چیزی مانع تو شد (که او را به جانشینی خود بگماری) ؟
پاسخ داد: بدم می آید که او را چه در دوران زندگی خویش و در دوران مرگ بر کاری بگمارم!!!
در **المطالب العالیة** ج 15/ص 775 ش 3898 همین روایت را آورده و آن را صحیح می داند .

روایت شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید :

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه سخنان عمر را برای ابن عباس نقل می کند که گفت :
أَجْرُهُمْ وَاللَّهِ إِنَّ وَلِيَّهَا أَنْ يَمْلِكُمْ عَلَى كِتَابِ رَبِّهِمْ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ لَصَابِك ! أَمَا إِنَّ وَلِيَّ أَمْرِهِمْ
مَمْلُوكٌ عَلَى الْمَمْعَةِ الْبَيْضَاءِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ .

شرح نهج البلاغة: 12/52

با جرات ترین ایشان برای وادار کردن مردم بر کتاب فدا و سنت رسول فدا صابک تو (علی) است ؛
آگاه باش که اگر ماکم شود مردم را به راه روشن هدایت و راه راست هدایت فواهد کرد .

2 - رهنمود مردم به راه روشن هدایت :

بعد از دور شدن مردم از انتخاب امیر مومنان به خلافت ، در مورد راه راست نظرات مختلفی پیش آمده و هر گروه خود را بر راه راست
می پندارد ؛ در این زمینه اهل سنت روایات جالبی دارند :

روایت حلیة الاولیاء :

این مضمون در روایتی که از حلیة الاولیاء نقل گردید آمده است که :

يَمْلِكُمْ عَلَى الْمَمْعَةِ الْبَيْضَاءِ

حلیة الاولیاء ج 1/ص 64

شما را بر راه روشن و نورانی وادار می کند .

روایت اخبار المدینه:

عمر بن خطاب نیز می گوید اگر مردم علی را به عنوان خلیفه انتخاب می کردند ایشان را به راه روشن فرا می خواند :

1490 - مدثنا أبو بكر العلمی قال مدثنا هشيم عن داود بن أبي هند عن المسن قال فلا عمر رضی الله

عنه يوما فجعل الناس يقولون ما الذي فلا له فقال المخيرة بن شعبه أنا آتيتكم بعلم ذاك فأتاه فقال

يا أمير المؤمنين إن الناس قد ظنوا بك في فلواتك ظنا قال وما ظنوا قال ظنوا أنك تنظر من يستخلف

بعدك قال ويمك ومن ظنوا قال ومن عسى أن يظنوا إلا هؤلاء علي وعثمان وطلحة والزبير قال وكيف

لی بعثمان فهو رجل كلف بأقاربه وكيف لی بطلحة وهو مؤمن الرضا كافر الغضب وكيف لی بالزبير وهو

رجل فبس وإن أفلحهم أن يملهم على الممجة البيضاء الأصلع یعنی عليا رضی الله عنه

أخبار المدینه ج2/ص59

... روزی عمر با فود فلوت کرد ؛ پس مردم گفتند که چه شده است که عمر با فود فلوت کرده است؟

پس مغیره بن شعبه گفت من به شما در این مورد خبر فواهم داد . پس به نزد عمر آمده و گفت :

ای امیر مومنان ! بدرستی که مردم در مورد این فلوت کردن های تو گمان هایی دارند. عمر گفت :چه

گمانی؟ پاسخ داد : گمان کرده اند که تو در مورد اینکه چه کسی را بعد از فود به فلافت بگماری نظر

می کنی . گفت : وای بر تو ! و چه کسانی را گمان کرده اند؟ پاسخ داد : و چه کسانی را ممکن است

گمان کنند غیر از ایشان – علی و عثمان و طلحه و زبیر؟

عمر گفت : من چگونه در مورد عثمان فکر کنم و مال آنکه او شخصی است که بستگان فود را به کار

می گمارد . و چگونه در مورد طلحه فکر کنم و مال آنکه او در مال فوشنودی با ایمان و در مال فشم

کافر است و چگونه در مورد زبیر فکر کنم و مال آنکه او فردی بد فلق است . و بدرستی که سزاوار ترین

ایشان که ایشان را بر راه سفید وادار می کند فرد اصلع (که مو است) – یعنی علی –

روایت شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید :

روایت ابن ابی الحدید از ابن عباس نیز گذشت که عمر به او گفته بود :

! أما إن ولی أمرهم مملهم علی الممجة البيضاء والصراط المستقیم .

شرح نهج البلاغه: 12/52

آگاه باش که اگر حاکم شود مردم را به راه روشن هدایت و راه راست هدایت فواید کرد .

3 - رهنمود جامعه به سوی حق

در کتاب تاریخ مدینه دمشق ج 42/ص 428 همین روایت را با مضامین مختلف آورده است که در یکی از آنها آمده است :

قال عمر لأصحاب الثوری لله درهم إن ولوها الأصلع کیف یملهم علی المق وإن مملا علی عنقه

بالسیف قال فقلت أتعلم ذلك منه ولا توله ...

عمر در مورد اصحاب ثوری گفته است : فداوند ایشان را ... اگر این کار را به شفص کم مو بسپارند

ایشان را به مق وادار می کند اگر چه بر گردنش شمشیر بگیرد . پس به او گفتم این را از او می دانی

و او را فلیفه نمی کنی؟ ...

شبهه این مضامین در الکامل فی التاریخ ج 2/ص 460 و تاریخ الطبری ج 2/ص 580 و تاریخ الإسلام ذهبی ج 3/ص 639 و... و شرح نهج

البلاغه ابن ابی الحدید ج 13 ص 260 آمده است .

4 - احیای سنت پیامبر اکرم (ص)

یکی از فوایدی که بر انتخاب امیر مومنان مترتب می گشت ، احیا شدن تمامی سنت های رسول خدا بود ؛ امیر مومنان بعد از به دست

گرفتن خلافت ظاهری سعی در از بین بردن بدعت های خلفا نمودند ، که این قضیه با مخالفت مردم ناکام ماند ؛ اما اگر از همان ابتدا

حق به حضرت داده می شد حضرت سنت رسول خدا را زنده می گردانیدند :

روایت تاریخ المدینه :

عمر به ابن عباس گفت :

إِنَّ أَمْرَهُمْ إِنْ وَلِيَهَا أَنْ يَمْلَهُمْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ صَامِبِك، يَعْنِي عَلِيًّا.

تاریخ المدینة المنورة: 3/883، بتحقیق فہیم محمد شلتوت، 1410

سزاوار ترین شرف برای وادار کردن مردم بر کتاب خدا و سنت رسول خدا صامب تو (علی) است .

روایت شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید :

روایتی که ابن ابی الحدید در این زمینه نقل می کند نیز گذشت که عمر می گوید :

با جرات ترین ایشان برای وادار کردن مردم بر کتاب خدا و سنت رسول خدا صامب تو (علی) است

شرح نهج البلاغة: 12/52

5 - موجب اتحاد جامعه اسلامی

مهمترین عامل تفرقه در بین مسلمانان ، اختلاف ایشان در مورد دین است ؛ و به همین جهت اگر کسی می توانست این اختلاف را از بین ببرد همه مسلمانان با یکدیگر متحد شده و همگی به ریسمان محکم الهی چنگ می زدند و از تفرقه دوری می کردند . در این زمینه در کتب اهل سنت روایات بسیاری نقل شده است که رسول خدا فرمودند : علی است که برای امت من آنچه را در آن اختلاف می کنند بیان می کند ؛ بنا بر این اگر به ایشان فرصت بیان دین داده می شد دیگر کسی در دین اختلاف نمی کرد :

روایت مستدرک حاکم نیشابوری :

عن أنس بن مالك رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال لعلي: أنت تبيّن لأمتي

ما اختلفوا فيه بعدى. هذا حديث صحيح على شرط الشيفين ولم يفرجاه.

المستدرک: ج 3 ص 122

از انس بن مالک روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به امیر مومنان

فرمودند : تو هستی که بعد از من برای امتم آنچه را در آن اختلاف کردند بیان می کنی .

همین روایت در مصادر ذیل نیز نقل شده است :

تاریخ مدینة دمشق: 387 / 42، کنز العمال: 11/615، رقم 32983، شواهد التنزیل: 1/383، المناقب للخوارزمی: 329، ینابیع المودة: 2/86.

روایت بلاغات النساء (ابن طیفور):

فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز در خطبه های خود که سنی و شیعه به آن اشاره داشته و آن را نقل کرده اند به برکات ولایت امیر مومنان اشاره فرموده اند. این خطبه ها را **ابن طیفور در بلاغات النساء** ذکر کرده است:

فرض الله الإيمان تطهيراً لكم من الشرك ... و امامتنا أمانة من الفرقة و مينا عزاً للإسلام

فداوند ایمان را سبب پاک شدن از شرک قرار داد ... و امامت ما را سبب مفا از تفرقه و دوستی

ما را سبب عزت اسلام

آیا در صورت بیعت مردم با امیر مومنان کسی با ایشان مخالفت نمی نمود؟

روایاتی که گذشت نشان می دهد که اگر امامت امیر مومنان را قبول می کردند تمامی مسلمانان با هم متحد می شدند. و دیگر کسی برای خود ادعای خلافت نمی نمود. شاهد بر این مطلب کلامی است که اهل سنت از ابو بکر و عمر نقل کرده اند:

مرّ المغيرة بن شعبه بآبي بكر وعمر وهما جالسان على باب النبي مین قبض فقال: ما یقعدكما؟ قال:

ننتظر هذا الرجل یفرج فنبایعه - یعنیان علیاً - فقال: أتريدون أن تنظروا مبل المبله من أهل هذا

البيت وسعوها فی قریش تتسع.

شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: 43/6.

مغیره بن شعبه هنگام (ملت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از کنار ابوبکر و عمر گذشت

در مالیکه ایشان در کنار در خانه علی نشستند بودند؛ پس به ایشان گفت: برای چه اینجا نشسته اید؟

گفتند: منتظریم تا این شخص - مقصودشان علی بود - بیرون بیاید تا با وی بیعت کنیم؛ پس گفت:

آیا می فواید بیعت این فرمای نرسیده (کنایه از جوان بودن امیر مومنان) از این فاندان را نگاه کنید

که در قریش گسترش پیدا کرده، پیش می رود؟

یعنی حتی مغیره بن شعبه نیز می دانست که اگر کسی در ابتدا با خلافت امیر مومنان مخالفت نکند، کار حضرت به سرعت پیش رفته و حتی تمام قریش با حضرت موافقت خواهند کرد.

و این مطلب با کمی تدبر نیز به دست می آید: زیرا اگر ایشان با علی بیعت می کردند، مهاجر و انصار بهانه ای برای مخالفت

نداشتند؛ لذا همگی با ایشان بیعت می نمودند .

مهاجرین: زیرا اکثر ایشان با ابو بکر بیعت کردند و اگر او با علی بیعت می کرد با امیر مومنان بیعت می کردند . همانطور که این روایت اشاره بدان داشت .

انصار: زیرا ایشان از اصل با بیعت ابو بکر مخالف بودند و وقتی به زور با وی بیعت کردند باز هم در فکر بیعت با امیر مومنان بودند که ابوبکر ایشان را تهدید کرد .

فَلَمَّا كَانَ آخِرَ النَّهَارِ افْتَرَقُوا إِلَىٰ مَنَازِلِهِمْ فَاجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنَ الْأَنْصَارِ وَقَوْمٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ فَتَعَاتَبُوا فِيمَا

بَيْنَهُمْ فَقَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ هَا أَنْتُمْ أَوْلَىٰ فَضْلًا وَنَصْرًا وَسَابِقَةً وَلَكِنْ لَيْسَ

فِيكُمْ مِثْلُ أَبِي بَكْرٍ أَوْ عُمَرُ وَلَا أَبِي عُبَيْدَةَ.

فَقَالَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ: أَنَا لَأَنْتَ أَفْضَلُ مِنْ ذِكْرِكَ ... وَأَنَا لَنْعَلِمُ أَنَّ مَمَّنْ سَمَّيْتَ مِنْ قَرِيْبِشْ مِنْ لَوْ طَلَبَ

هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَنَازِعْهُ أَمْدٌ: علی بن ابی طالب .

و روی الزبیر بن بکار قال: روی ممد بن اسحاق أن أبابكر لما بويع افتخرت تيم بن مرة، قال:

وكان عامة المهاجرين لا يشكون أن علياً هو صاحب الأمر بعد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: 21/6.

وقتی که روز به آخر رسید به خانه های خود رفتند؛ پس عده ای از انصار و عده ای از مهاجرین با هم

جمع شدند؛ پس خود را مورد سرزنش قرار دادند؛ پس عبد الرحمن بن عوف گفت: ای انصار اگرچه شما

دارای فضل و یاری (رسول خدا) و سبقت (در دین) هستید اما هیچ کس از شما مانند ابو بکر و عمر و علی

و ابو عبیده نیست (مبادا به خیال فلافت برای خود باشید) پس زید بن أرقم گفت: ما فضیلت کسانی

را که گفتمی انکار نمی کنیم، اما ما از قریشیانی که نام بردی کسی را می شناسیم که اگر این کار را

بفواهد کسی نمی تواند (در جهت فضیلت) با او مقابله کند؛ علی بن ابی طالب .

و زبیر بن بکار روایت کرده است که ... وقتی با ابوبکر بیعت شد، قبیله تيم بن مرة افتخار کردند .

و گفت: اکثر مهاجرین شك نداشتند که علی صاحب این امر بعد از رسول خدا بوده است .

بنا بر این بیعت ابتدایی با امیر مومنان به طور کامل شکل می گرفت و صدایی برای مخالفت به گوش نمی رسید؛ وقتی در مدینه

چنین حکومتی شکل می گرفت دیگر کسی جرات مخالفت با این حکومت قدرتمند مرکزی را پیدا نمی کرد؛ در همین حال امیر مومنان لشکر اسامه را برای اجرای فرمان رسول خدا به سمت مرز روم و برای درگیری با ایشان می فرستاد؛ (همان لشکری که ابوبکر ایشان را برای کشتار - به اصطلاح ایشان - مرتدین فرستاد) و همین سبب گسترش بسیار سریع اسلام در سراسر جهان می گردید .

6- فزون شدن برکات الهی بر مردم :

روایت بلاغات النساء:

وما الذى نقموا من أبى المسن ، نقموا والله منه نكير سيفه ، وشدة وطئه ، ونكال وقعته ، وتنمره فى ذات الله عز وجل . والله لو تكافوا عن زمام نبذه رسول الله (صلى الله عليه وآله) إليه لاعتلقه ، ولسار بهم سيرا سجما ، لا يكلم فئاشه ، ولا يتعتع راکبه ، ولأوردهم منهلا نميرا فضفاضا تطفح صفتاه ولأصدرهم بطانا ، قد تفير بهم الرى غير متمل منه بطائل إلا بغمز الماء وردعة شررة الساعب ، ولقتمت عليهم برکات من السماء والأرض ، وسيأفذهم الله بما كانوا يكسبون .

بلاغات النساء باب کلام فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

و چه چیزی را بر ابو المسن عیب گرفته اند؟ قسم به خدا ترسناک بودن شمشیرش را و قدرت قدم هایش را و مصیبت ضربت شمشیرش را و دلاوری او را در راه خدا اشکال گرفته اند !! قسم به خدا اگر دست فود را از زمامی که رسول خدا به او داده بود بر می داشتند ، آن را با دست فود می گرفت و ایشان را به راهی آرام می برد که مرکبش آزار نیند و سوارش اذیت نشود ؛ و ایشان را به نزد آبشفوری پر آب و جوشان می برد که هر دو سوی آن پر باشد (از آب) و ایشان را از آن سیراب بیرون می آورد ؛ او سیرابی ایشان را فواسته بود و برای فود چیز زیادی نمی فواست مگر ظرف کوچکی آب و مقداری غذا که تنها سفتی گرسنگی را مانع شود . و برای ایشان برکاتی از آسمان و زمین گشوده می شد . اما خداوند ایشان را به (گناهی) که کسب کرده اند فواهد گرفت (عذاب فواهد کرد).

در این خطبه که اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند فاطمه زهرا علیها السلام به خوبی وضعیت جامعه را در صورتی که خلافت به

امیر مومنان می رسید بیان نموده اند .

خداوند متعال می فرماید :

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَّمْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمُ

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

(آیه 96 سوره اعراف)

اگر اهل شهرها ایمان آورده و پرهیزکاری می نمودند بر ایشان برکاتی از آسمان و زمین می گشودیم

ولی دروغ پنداشتند پس ما ایشان را به سبب آنچه کسب کردند گرفتیم (عذاب کردیم).

و فاطمه زهرا علیها السلام این آیه را به عنوان نمونه ای از اثرات قبول همگانی خلافت امیر مومنان مطرح نموده اند . همان مضمونی

که در روایت رسول خدا و کلام عمر نیز بدان اشاره شده بود ؛ زیرا اگر علی را انتخاب می کردند همگی ایشان را به راه راست هدایت می

کرد اما چنین نکردند .

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)